

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ اگست ۲۰۲۰

انتقام کور طبیعت و یا بازتاب چپاول های طبقاتی و بی مبادلاتی های دولت پوشالی؟

چهارشنبه - ۰۵ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: شاید شما هم در جریان سرازیر شدن سیل در ولایت پروان که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ تن، زخم برداشتن بیش از ۲۵۰ تن دیگر و ویرانی بیش از ۲۰۰ منزل مسکونی از فقیر ترین باشندگان آن ولایت گردید، قرار گرفته باشید، همزمان با این مصیبت حتماً این موعظه ها نیز به گوش تان رسیده است، که "قهر طبیعت است"، "انتقام طبیعت است"، "قهر خداست که انسانها را می آزماید" و از همین قبیل اراجیف. آنچه در تمام این دلیل ترشی ها اصلاً مشاهده نمی گردد، نخست زندگی پیشا بدوی مردم کشور، در ثانی چپاولگری های طبقات زورمند و در آخر بی مبادلاتی دولت دست نشانده. در یادداشت امروز تلاش می ورزم تا بسیار مختصر در مورد، نظراتم را خدمت شما تقدیم نمایم:

۱- از همه اولتر باید بنویسم، طبیعت نه انسان است و نه عواطفی دارد که گاهی خوش باشد و زمانی هم غمگین و یا خشمگین و چون شاهان جبار در زمان خوشی طلا و نقره "باد" کند و در زمان خشم و غضب از خون بیگناهان آسیاب را به حرکت در آورد، بلکه تمام آنچه در طبیعت و از جانب طبیعت اتفاق می افتد برخاسته و متکی بر قوانین عام طبیعی است. از جمله روان شدن سیل یک امر کاملاً طبیعی و در تطابق با قانون جاذبه زمین بر مایعات است که آب از بالا به طرف پائین حرکت می نماید، در این حرکت- کم باشد و یا زیاد- نه قهری وجود دارد و نه هم انتقامی. هرگاه در مسیر حرکت طبیعی آب، به فردی و یا جمعی آسیبی می رسد، این مشکل خود قربانی است که یا از روی نادانی و یا هم از بابت خیره سری در آن مسیر قرار گرفته است.

۲- این که تنی چند از ملاهای سرکاری و جیره خوار دولت دست نشانده جهت کتمان بیکارگی و بی مبادلاتی دولت دست نشانده می آیند و از طریق رسانه ها در قرن ۲۱ ادعا می دارند که این مصیبت از جانب خداست و خدا می خواهد ما مردم را امتحان کند، تا جایی که به من نوعی رابطه می گیرد، این قشر باید شکر گذار باشند که نه به چنان خدائی اعتقاد دارم و نه هم توان بازخواست از نشخوار چنین اراجیفی را. هرگاه به چنان خدائی اعتقاد می داشتم و توان بازخواست نیز در من وجود می داشت، گویندگان چنان اراجیفی را به جرم بستن تهمت به خدا و خدا را قاتل مظلومان معرفی نمودن، مورد بازخواست قرار می دادم تا کسی جرأت نکند، خدا را "کل بچه" تپک خور خود بسازد.

۳- و اما برای آن که همه بدانیم این قضیه چه قسم اتفاق افتاده و چه بسا باز هم در سایر مناطق اتفاق بیفتد، برای آنهایی با جغرافیای منطقه آشنا نیستند، نخست شناختی را که خود از زندگی در یکی از گوشه های این محل، از منطقه دارم خدمت تان تقدیم می دارم، باشد جهت درک مطلب کنونی و جلوگیری از وقایع مشابه مفید واقع گردد:

دند کوه دامن در کل از زیر کوتل خیر خانه شروع الی آغاز دره های تنگ در جبل السراج، به مانند یک کاسه ایست که از چهارطرف کوه های بلند و کوهچه ها آن را محاصره نموده است. یکی از این کوه ها که نمی دانم ادامه سلسله هندوکش است و یا سلسله بابا، کوهیست که از جبل سراج از استقامت شمال- جنوب الی پغمان ادامه یافته، به مثابه یک دیوار عظیم و بلند، تمام سمت غرب دند کوه دامن را می پوشاند.

یکی از ویژگی هائی که این مناطق را تا حدی نسبت به بقیه مناطق کشور و حتا جهان متمایز می سازد، شکل گیری و تمرکز نفوس در مناطق کوهستانی و دشوار آن شیب ها می باشد. چه با در نظر داشت این که از گذشته های دور یعنی از هزاره های قبل که حیات باشنده آهسته آهسته پدیدار می شد و انسان گردنده و کوچی به طرف باشنده شدن، حرکت می نمود، در تمام جهان متناسب با سطح رشد و کثرت نفوس مشاهده شده، که نطفه های تمدن ها از کنار رودخانه ها آغاز یافته است، در حالی که در تمام طول این سلسله یعنی از جبال السراج الی قلعه مراد بیک، دیده می شود، که در کنار هریک از دره ها و قولها اعم از هوپیان، توپدره، گلدره، استالف، فرزه، گلدره، شگرده و ...، اجتماعات بشری حیات به سر برده اند که بر جسته ترین نمونه آن در "توپدره" بقایای مدنیت عصر کوشانی های بزرگ می باشد.

۴- بر اساس شناخت تجربی که خودم از گشت و گذار در زادگاه خودم شکر دره دارم، انسان دیروز چه از گذشته های دور و چه هم گذشته های نزدیک بین ۵۰ الی ۱۰۰ سال، با حرکت از شناخت تجربی شان از محیط و قوانین طبیعت، چند نکته را هیچ گاهی فراموش نمی نمودند:

* در کمر کوه جوی های عمیق و قسماً عریض به طول کوه حفر کردن که به نام سیل بر یاد می شد،
* - امتداد این سیل برها از یک قول و یا آبریز طبیعی الی قول دیگر به منظور هدایت آب سرازیر شده از کوه به طرف قول ها که حیثیت آبریز ها را داشته و دارند،

* - فارغ گذاشتن مطلق آبریز ها و قول ها از ایجاد خانه حتا باغ چه علی رغم این که درخت در شرایط عادی بهترین محافظ زمین و عامل کند کننده حرکت سیلاب است، مگر در صورتی که حجم آب زیاد باشد، باعث بندش و در نتیجه بلند رفتن سطح آب شده، حرکت آب را از قول بیرون می برد که می تواند خطرناک باشد، از همین رو عمدتاً بستر و اطراف قول ها باز گذاشته می شوند.

ادامه دارد